



چالش حقوقی اجرای قاعده عدم مصونیت سران دولتها نزد دیوان کیفری بین‌المللی: با

تأکید بر پرونده عمرالبشیر

معصومه امامیان^۱

دکتر ستار عزیزی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۸/۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۴/۱۶

چکیده

عدم مصونیت مقامات عالی رتبه دولتها در برابر صلاحیت محاکم کیفری بین‌المللی از جمله قواعد پذیرفته شده بین‌المللی است. صدور قرار بازداشت از سوی ICC علیه رئیس‌جمهور سودان، مسائلی را در خصوص اجرای این قرارها و همکاری دولتها با دیوان پدیدآورد. ICC بر این اعتقاد است که با ارجاع وضعیت دارفور، مصونیت عمرالبشیر سلب شده است و دولتها در اجرای این قرار، به نمایندگی از ICC و شورای امنیت می‌بایست عمل کنند. از سوی دیگر، دولتهای مستنکف از اجرای قرار دیوان، اتحادیه آفریقایی و گروهی از حقوق‌دانان معتقد هستند که تمامی دولتها موظف به رعایت مصونیت عمرالبشیر به‌عنوان رئیس دولت خارجی هستند، چه آنکه در ماده ۹۸ اساسنامه بر رعایت قواعد عرفی مصونیت تأکید شده است. به نظر می‌رسد که توسل به راهکار طرح سوال مشورتی از دیوان بین‌المللی دادگستری توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد می‌تواند به این بن‌بست حقوقی پایان دهد.

واژگان کلیدی: مصونیت سران دولتها، دیوان کیفری بین‌المللی، عمرالبشیر، مصونیت سران در برابر صلاحیت کیفری خارجی، مواد ۲۷ و ۹۸ اساسنامه

۱. دانشجوی دکتری رشته حقوق بین‌الملل دانشگاه بوعلی سینا

۲. دانشیار رشته حقوق بین‌الملل دانشگاه بوعلی سینا (نویسنده مسئول)

✉ satarazizi@ymail.com

مقدمه

مصونیت یا عدم مصونیت رییس دولت از مباحث چالش برانگیز در نظام حقوق بین‌الملل است. از یک‌سو، سران دولت‌ها به موجب حقوق بین‌الملل قراردادی، در موارد ارتکاب جنایات مهم بین‌المللی، از مصونیت برخوردار نیستند و از سوی دیگر، به موجب قواعد حقوق بین‌الملل عرفی، در برابر صلاحیت کیفری دادگاه‌های ملی سایر کشورها از مصونیت مطلق برخوردارند. عدم مصونیت سران دولت‌ها در اساسنامه و آرای صادره از دادگاه‌های نورمبرگ، توکیو و دادگاه‌های کیفری یوگسلاوی سابق و رواندا و در نهایت دیوان کیفری بین‌المللی انعکاس یافته است. اولین موارد محاکمه روسای دولت به قضیه چارلز تیلور رییس‌جمهور سابق لیبریا مربوط می‌شود که به‌عنوان اولین رییس‌جمهور در رأس کار توسط دادگاه ویژه سیرالئون برای ارتکاب جرایم بین‌المللی مورد تعقیب قرار گرفت. دادگاه، دفاعیه تیلور مبنی بر وجود مصونیت مطلق رییس دولت را به صراحت، نپذیرفت. پس از وی، میلوسویچ رییس دولت در رأس کار یوگسلاوی سابق برای ارتکاب جرایم علیه بشریت و جنایات جنگی توسط دادگاه کیفری بین‌المللی ویژه یوگسلاوی مورد پیگرد قرار گرفت.

دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) نیز بر قطار بی‌کیفرمانی روسای دولت سوار شده است. این مرجع بین‌المللی، در پی ارجاع وضعیت دارفور سودان از سوی شورای امنیت بموجب قطعنامه ۱۵۹۳ طبق بندب ماده ۱۳ اساسنامه رم، دو قرار بازداشت را علیه رییس‌جمهور وقت سودان، به اتهام ارتکاب جرایم بین‌المللی موضوع صلاحیت دیوان، صادر نمود. قرار بازداشت عمرالبشیر از جهات مختلفی دارای اهمیت می‌باشد. قرار بازداشت عمرالبشیر از این جهت دارای اهمیت است که اولین قرار بازداشت صادره علیه یک رییس دولت در حال خدمت است که توسط دیوان بین‌المللی کیفری صادر شده است. این پرونده مورد مباحث گسترده‌ای راجع به مسأله مصونیت رؤسای دولت در حال خدمت، علی‌الخصوص نسبت به دول غیر عضو دیوان می‌باشد. در حالی که براساس ماده ۲۷ اساسنامه رم، واضح و مبرهن است که موقعیت رسمی شخص متهم، قابل استناد نزد دیوان نمی‌باشد، اما ابهامات زیادی راجع به این مسأله وجود دارد که آیا عمرالبشیر، بدون تخطی از مقررات حقوق بین‌الملل عرفی راجع به مصونیت رییس دولت، توسط دولت‌ها اعم از عضو و غیر عضو دیوان، می‌تواند بازداشت گردد یا خیر؟

به دنبال صدور قرار بازداشت، شعبه مقدماتی به دبیرخانه دیوان دستور داد که درخواستی را مبنی بر بازداشت و تحویل عمرالبشیر به دول عضو دیوان و به دول عضو سازمان ملل متحد که عضو اساسنامه دیوان نمی‌باشند ابلاغ نماید. همان‌گونه که دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) در پرونده قرار بازداشت اعلام داشته است: رییس دولت خارجی حتی در صورتی که مرتکب جرایم بین‌المللی گردد، در برابر محاکم ملی خارجی از مصونیت برخوردار خواهد بود. حال این پرسش مطرح می‌شود



که آیا این دولت‌ها تعهدی مبنی بر بازداشت عمرالبشیر در صورت سفر وی به قلمرو حاکمیت آن‌ها دارند یا خیر؟ به عبارت دیگر، آیا دول عضو و غیر عضو دیوان مجوزی برای بازداشت البشیر و نادیده گرفتن مصونیت عرفی او دارند یا خیر؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، براساس چه مقرر عرفی و یا قراردادی میتوان آنرا توجیه نمود؟ جهت یافتن پاسخ این سؤالات، در بخش اول مقاله، ابتدا ضرورت و گستره برخورداری روسای دولت‌ها از مصونیت در برابر صلاحیت محاکم کیفری خارجی را بررسی می‌کنیم و آنگاه اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در مبارزه با بی‌کیفرمانی در موارد ارتکاب جنایات بین‌المللی توسط رؤسای دولت‌ها را مطالعه خواهیم کرد و در بخش دوم مقاله با بررسی رابطه میان ماده ۲۷ اساسنامه (رد مصونیت سران دولت‌ها در پیشگاه دیوان کیفری بین‌المللی) و ماده ۹۸ (پذیرش مصونیت‌های عرفی از جمله مصونیت سران نزد محاکم کیفری خارجی)، چالش‌های مربوط به اجرای قرار بازداشت عمرالبشیر را به‌عنوان یک مطالعه موردی بررسی خواهیم کرد.

بخش اول: ضرورت و گستره مصونیت و یا عدم مصونیت رؤسای دولت‌ها در برابر محاکم کیفری خارجی و محاکم بین‌المللی

در قسمت اول مقاله، ابتدا ضرورت و گستره اعطای مصونیت به سران دولت‌ها در برابر محاکم کیفری خارجی را بررسی می‌کنیم و سپس رویکرد متضاد محاکم بین‌المللی و به‌صورت خاص دیوان کیفری بین‌المللی در عدم پذیرش مصونیت برای سران دولت‌ها را به‌صورت مختصر توضیح خواهیم داد.

گفتار اول: ضرورت و گستره مصونیت سران دولت‌ها در برابر صلاحیت محاکم کیفری خارجی

مصونیت سران دولت‌ها در برابر صلاحیت محاکم کیفری خارجی بر دو مبنای ضرورت کارکردی^۱ و تئوری ویژگی نمایندگی^۲ استوار است. در بررسی مصونیت‌های دیپلماتیک، وجود امکان شرایط مناسب در انجام دادن وظایف، علت وجودی اصلی است (صوراسرافیل، ۱۳۷۹: ۲۷۰). اصولاً در تمامی اسناد مربوط به مصونیت، تأکید شده است که این مصونیت‌ها در چارچوب نفع فردی نمایندگان اعطا نمی‌شود بلکه جهت تامين موثر انجام وظایف نمایندگی و دولتی است

1. Functional Necessity

2. Representative Character

(Wickremasinghe, 2010: 406). دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در قضیه «قرار بازداشت» بر این امر تأکید کرد.^۱ در نظام حقوق بین‌الملل معاصر، تعدادی از مقامات عالی‌رتبه (همچون سران دولت‌ها و حکومت‌ها) به جهت «ضرورت کارکردی» وظایفشان در عرصه داخلی و بین‌المللی و همچنین «ویژگی نمایندگی» آن‌ها از کشور متبوعشان از مصونیتی خاص و ویژه که عام و مطلق است، بهره‌مند خواهند شد که از آن باعنوان «مصونیت شخصی»^۲ نام برده می‌شود (Akande&Shah, 2011: 818) و گروهی از حقوق دانان معتقدند که این حق در حقوق بین‌الملل عرفی، برای سران دولت‌ها وجود دارد (Watts, 1994: 247).

در حال حاضر، «کمیسیون حقوق بین‌الملل» (ILC) یکی از طرح‌های در دستور کار مهم خود را به بررسی دامنه و گستره بهره‌مندی سران عالی‌رتبه دولت‌ها از مصونیت در برابر محاکم کیفری دیگر کشورها، اختصاص داده است. کمیسیون متعاقب دریافت گزارش سوم گزاراگر ویژه پروفیسور اسکوبار هراندز^۳ در سال ۲۰۱۴، تصمیم گرفت که مواد پیش‌نویس را به کمیته تهیه پیش‌نویس ارجاع دهد. در ماده ۳ این پیش‌نویس تحت‌عنوان «اشخاصی که از مصونیت شخصی برخوردار هستند»، اعلام گردید که سه گروه از مقامات؛ معروف به مقامات تروییکا یعنی (رییس دولت، رییس حکومت^۴ و وزیر امور خارجه) در برابر اعمال صلاحیت محاکم کیفری دیگر کشورها از مصونیت مطلق برخوردار هستند و این مصونیت حتی در خصوص ارتکاب جنایات بین‌المللی نیز وجود دارد (Report of ILC, 2014: A/69/19, P.231).

دیوان بین‌المللی دادگستری، در قضیه «قرار بازداشت»، به بهره‌مندی این مقامات از مصونیت شخصی اشاره دارد (بند ۵۱ رای) و بلژیک را موظف دانست که قرار بازداشت صادر شده علیه وزیر خارجه کنگو را لغو کند. در رویه قضایی محاکم داخلی نیز بر مصونیت سران دولت‌ها تأکید شده است (عزیزی، ۱۳۹۳: ۲۳۸).^۵

1. ICJ, Case Concerning the Arrest Warrant of 11 April 2000, (Democratic Republic of Congo v. Belgium), Judgment of 14 February 2002, para.53

2. Ratione personae

3. Ms. Escobar Hernández

۴. مواد ۱۰۲، ۱۵ قطعنامه موسسه حقوق بین‌الملل راجع به مصونیت رییس دولت در حال تصدی و رییس حکومت، اشعار می‌دارد. (موسسه حقوق بین‌الملل: مصونیت قضایی و اجرایی رییس دولت و حکومت در حقوق بین‌الملل، مجله حقوقی، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۱۳۸۳، ص ۳۹۷ و ۴۰۳).

۵. می‌توان به این پرونده‌ها اشاره کرد:

- قضیه پینوشه در انگلیس (۲۴ مارس ۱۹۹۹)
- قضیه معمرفقذافی در فرانسه (رای دادگاه تمیز ۱۳ مارس ۲۰۰۱)
- قضیه فیدل کاسترو در اسپانیا (قرار ۴ مارس ۱۹۹۹ دادگاه اسپانیا)



در قضیه شکایت جیبوتی علیه فرانسه، دیوان بین‌المللی دادگستری بار دیگر بر مصونیت شخصی رییس کنونی کشور تأکید نمود.^۱ حتی دولت فرانسه نیز منکر مصونیت رییس دولت جیبوتی نبود. فرانسه تنها صدور دو قرار جهت ایراد شهادت را نافی مصونیت نمی‌دانست (ICJ, Case Concerning Certain Questions of Mutual Assistance in Criminal Matters (Djibouti v. France) Judgment of 4 June 2008: para.170).

ماده ۲ قطعنامه انستیتو حقوق بین‌الملل با عنوان «مصونیت‌های قضایی و اجرایی رؤسای دولت و حکومت در حقوق بین‌الملل» که در اجلاس ونکوور در سال ۲۰۰۱ به تصویب رسید نیز بر مصونیت رؤسای کنونی تأکید دارد.

مصونیت رؤسای حکومت نیز همچون رؤسای دولت در نظام حقوق بین‌الملل معاصر به خوبی پذیرفته شده است و در محاکم داخلی برخی رویه‌ها در این خصوص دیده می‌شود (عزیزی، ۱۳۹۳: ۲۳۹).^۲ تنها موردی که در آن، مصونیت رییس دولت در حال خدمت مورد انکار واقع شده است، قضیه ایالات متحده آمریکا علیه نوریگا است که در آن آمریکا نه به دلیل قایل شدن استثنایی بر اصل مصونیت مطلق شخصی، بلکه به دلیل عدم به رسمیت شناختن ژنرال نوریگا به‌عنوان رییس دولت، مصونیت وی را انکار نمود (Akande & Shah, 2011: 820).

• قضیه رابرت موگابه در بریتانیا (۱۴ ژانویه ۲۰۰۴)

• قضیه کاگمه رییس دولت رواندا در اسپانیا (۶ فوریه ۲۰۰۸)

France, Cour de cassation, Affaire Kadhafi, Judgment No. 1414 of 13 March 2001, 125 ILR 508, at 508-10 (the original text in French is reproduced in (2001) 105 RGDIP 474); United Kingdom, Senior District Judge at Bow Street, Tatchell v. Mugabe, Judgment of 14 January 2004, (2004) 53 ICLQ 769; Spain, Audiencia Nacional, Acto del Juzgado Central de Instrucción No. 4, 6 February 2008, Fourth paragraph, No. 1, pp. 151-7.

1. ICJ, Case Concerning Certain Questions of Mutual Assistance in Criminal Matters, (Djibouti v. France), Judgment of 4 June 2008: para.170.

۲. برخی از این پرونده‌ها عبارتند از:

الف: مارگارت تاچر توسط دادگاه ایالتی آمریکا (سال ۱۹۸۸)

Saltan and Others v. Reagan and Others, United States District Court, District of Columbia, 23 December 1988 reproduced in International Law Reports, vol. 80, pp. 19-24.

ب: آریل شارون توسط محکمه تمیز بلژیک (۱۲ فوریه ۲۰۰۳)

H.S.A. et al. v. S.A. et al., Decision related to the indictment of Ariel Sharon, Amos Yaron and others, Belgian Court of Cassation, No. P.02.1139.f, 12 February 2003, reproduced in International Law Materials, vol. 42, 2003, pp. 596-605.

ج: همچنین دادستان کل روسیه قبل از شروع روند دادرسی و روز قبل از سفر رسمی یولیاتیموشنکو نخست‌وزیر وقت اوکراین بر مصونیت او در برابر محاکم کیفری روسیه تأکید کرد.

مطابق دیدگاه سنتی این فقط دولت‌ها هستند که می‌توانند نقش آفرینان و تابعان حقوق بین-الملل محسوب شوند. دولت‌ها حاکمیت دارند و از تساوی برخوردارند، در نتیجه نمی‌توان دولتی را در دادگاه‌های کشور دیگر محاکمه نمود و رییس دولت نیز حق دارد که در برابر صلاحیت دادگاه-های ملی کشور دیگر در دعای کیفری و یا حقوقی ایراد مصونیت مطلق نماید (پایرز، ۱۳۷۹: ۸۹).

دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) نیز، گستره و دامنه بهره‌مندی سران دولت‌ها، حکومت‌ها و وزرای امور خارجه را مطلق دانست. به این معنا که سران دولت‌ها در مورد تمام اتهامات (چه عمل اتهامی در مقام شخصی و یا در مقام رسمی و چه در یک سفر رسمی و یا تفریحی ارتکاب یافته) و چه عمل مذکور قبل و یا در حین خدمت او انجام شده باشند، در برابر محاکم کیفری دیگر دولت‌ها مصونیت دارند (Arrest Warrant case, 2000: para. 54-55). و مصونیت، مادامی که او عهده-دار سمت ریاست است، باقی می‌ماند (Akande & Shah, 2011: 819). لذا از آنجا که مصونیت هیچ‌گونه معافیتی از قوانین ماهوی نیست، بلکه از نظر شکلی نوعی حمایت در قبال روند اجرایی کشور میزبان به وجود می‌آورد (صور اسرافیل، ۱۳۷۹: ۲۷۳)، بنابراین، این مصونیت از نظر موضوعی نسبت به تمامی اتهامات کیفری (خواه جرایم عادی و یا جنایات مهم بین-المللی) قابل اعمال است. دیوان در قضیه «قرار بازداشت» با تأکید بر این نکته اظهار داشت: «قادر به استنتاج این امر نبوده است که براساس حقوق بین‌الملل عرفی، استثنایی بر قاعده مصونیت از صلاحیت کیفری و مصونیت از تعرض وزرای امور خارجه فعلی مضمون به ارتکاب جرایم جنگی یا جرایم علیه بشریت وجود دارد» (Arrest Warrant case, 2000: para. 58).

بنابراین روشن است که «عمر البشیر» مطابق مقررات حقوق بین‌الملل کیفری در برابر اعمال صلاحیت محاکم کیفری خارجی دیگر دولت‌ها، از مصونیت برخوردار است و مراجع قضایی آن دولت‌ها حق احضار، تعقیب و دستگیری او را جهت محاکمه، ندارند.

گفتار دوم: فقدان مصونیت سران دولت‌ها در برابر صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی و دیگر محاکم کیفری بین‌المللی

با توجه به این که مصونیت، یک پدیده حقوقی بین‌المللی است، برای تبیین حدود و ثغور و آثار آن باید به اسناد و رویه بین‌المللی مراجعه کنیم. در میان اسناد بین‌المللی، اسناد مؤسس محاکم بین-المللی کیفری توجه ویژه به مصونیت داشته‌اند (سبحانی، ۱۳۸۹: ۴۰). در تاریخ ۱۷ جولای ۱۹۹۸، اساسنامه رم به منظور تأسیس دیوان بین‌المللی کیفری، با اعطای صلاحیت جهت تعقیب و محاکمه اشخاص مسؤول و مرتکب شدیدترین جرایم مورد نگرانی جامعه بین‌المللی، تصویب گردید تا "پایانی بر بی‌کیفرمانی برای مرتکبین این جنایات باشد". براساس مقدمه اساسنامه رم، دیوان



کیفری بین‌المللی یک نهاد قضایی دایمی است که در کنار محاکم کیفری داخلی از صلاحیت تکمیلی برخوردار می‌باشد و مطابق بند ۱ ماده ۵ اساسنامه، دیوان، صلاحیت محاکمه جدی‌ترین جرایم از جمله ژنوساید، جرایم علیه بشریت، جنایات جنگی و تجاوز را دارد. اساسنامه دیوان، جهت مقابله با بی‌کیفری، صراحتاً مصونیت مقامات عالی‌رتبه دولتی از جمله رئیس دولت را نادیده می‌گیرد. از این‌رو بند ۱ ماده ۲۷ به مسؤولیت مقامات دولتی در صورت ارتکاب جرایم اشاره می‌نماید و در بند ۲ تأکید می‌نماید که مصونیت‌های اعطایی به مقامات دولتی خواه طبق حقوق بین‌الملل یا حقوق داخلی، مانع اعمال صلاحیت دیوان بر چنین اشخاصی نخواهد گردید (Kennedy, 2013: 4). به موجب اساسنامه رم، مقامات دولتی کشورهای عضو دیوان، براساس ماده ۲۷، با عضویت به صورت تبعی از مصونیت انصراف داده‌اند (Williams & Lena, 2009: 74).

لازم به ذکر است که عدم مصونیت سران دولت‌ها در برابر محاکم کیفری بین‌المللی از اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی آغاز نمی‌شود بلکه اساسنامه ICC تداوم روندی است که با تشکیل محاکم ویژه نورمبرگ و توکیو پس از پایان جنگ دوم جهانی آغاز گردید و با تشکیل محاکم ویژه بین‌المللی یوگسلاوی سابق (ICTY) و (ICTR) در دهه ۱۹۹۰ میلادی ادامه یافت (بند ۲ ماده ۷ اساسنامه محاکم مذکور). کمیسیون حقوق بین‌الملل (ILC) نیز در پیش‌نویس طرح "قانون جنایات علیه صلح و امنیت بین‌المللی" این نکته را در ماده ۱۳ مقرر نمود. عنوان این ماده "موقعیت رسمی و مسؤولیت کیفری" است: «موقعیت رسمی شخصی که مرتکب جنایت علیه صلح و امنیت بین‌المللی می‌گردد حتی اگر در مقام رئیس دولت یا حکومت عمل کرده باشد، مسؤولیت بین‌المللی او را از بین نمی‌برد یا کاهش نمی‌دهد» (Draft Code of Crimes against the Peace and Security of Mankind, 1996: article, 7). مبنای مفاد این ماده عیناً در مقررات اساسنامه‌های دادگاه‌های نورمبرگ و توکیو به ترتیب در مواد ۷ و ۶ اساسنامه این دو دادگاه، پیش‌تر پیش‌بینی شده بود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۳: ۱۸۶). با بیان جهت‌گیری جامعه بین‌المللی در رابطه با مصونیت سران دولت‌ها در حقوق بین‌الملل معاصر، قاعده عرفی مبنی بر لغو مصونیت‌های شغلی سران دولت‌ها در صورت ارتکاب جرایم شدید بین‌المللی در حال شکل‌گیری است که تعادلی بین حمایت از توانایی دولت در انجام وظایفش و حمایت از حقوق بشر ایجاد می‌نماید (بهمن تاجانی، میرفلاح نصیری، ۱۳۹۴: ۵۹). بنابراین با وجود این که نادیده گرفتن مصونیت در برابر دادگاه‌های بین‌المللی تحولی جدید در حقوق بین‌الملل بوده اما در حقوق بین‌الملل عرفی به‌خوبی تثبیت شده‌است (Gaeta, 2009: 316). تأسیس یک دادگاه کیفری بین‌المللی تنها راه برای تضمین اعمال صلاحیت کیفری بین‌المللی هدفدار، معین و بی‌طرفانه در جهت تحقق عدالت کیفری می‌باشد (جوانمرد، ۱۳۹۰: ۸).

به عبارت دیگر، در پرتو تحولات مترقیانه حقوق بشر، توسعه اخیر دادگاه‌های بین‌المللی و رضایت رو به گسترش دولت‌ها به محاکمه سران دولتی در صورت ارتکاب جرایم بین‌المللی، مبنای کافی که حاکی از به رسمیت شناختن انصراف از مصونیت رییس دولت در برابر دادگاه‌های کیفری بین‌المللی است، وجود دارد. بر همین اساس ICJ، در قضیه قرار بازداشت (کنگو علیه بلژیک)، مقرر می‌دارد که حقوق بین‌الملل عرفی هر چند برای رؤسای دولت‌ها در برابر محاکمه ملی خارجی، مصونیت قائل است اما چنین مصونیتی در پیشگاه دادگاه‌های بین‌المللی وجود ندارد و اضافه می‌کند: «در صورت برخورداری دادگاه‌های بین‌المللی از صلاحیت، وزیر خارجه قبلی و فعلی می‌توانند در برابر دادگاه‌های بین‌المللی ویژه، تحت تعقیب کیفری قرار گیرند» Case Concerning the Arrest Warrant of 11 April 2000, 2002: para. 61) و در ادامه مثال‌هایی از رویه دادگاه‌های ICTY، ICTR، ICC و ICJ را بیان نمود (Iverson, 2012: 135).

عدم مصونیت سران دولت‌ها در برابر دادگاه‌های بین‌المللی، براساس این منطق توجیه می‌شود که رابطه میان دولت‌ها و محاکم کیفری بین‌المللی، رابطه‌ای عمودی است و وجود مصونیت در برابر محاکم کیفری خارجی بدان جهت است که دولت‌ها در برابر یکدیگر رابطه افقی دارند و براساس یک مثل رایج حقوقی «هیچ دولتی حق ندارد دولت و یا سران دولت دیگر را در محاکم داخلی خود محاکمه کند»^۱ (Finke, 2011: 875). گروهی از حقوق‌دانان این نگرانی را دارند که دولت‌ها از این قاعده سوءاستفاده کنند و در مواردی که خود کشورها قادر به محاکمه رییس دولتی نمی‌باشند برای تعقیب سران دول خارجی، محکمه یا دادگاه کیفری بین‌المللی ایجاد نمایند (Akande, 2004: 416). بنابراین ارائه تعریفی صحیح از دادگاه بین‌المللی که مجال سوء استفاده را به دولت‌ها ندهد بسیار مهم است. تا آن‌که دولت‌ها با سوءاستفاده از هنجار مبارزه با بی‌کیفرمانی و مجازات مرتکبان جنایات بین‌المللی، به تعقیب سران دولت‌های خارجی در محاکم کیفری داخلی نپردازند و رسیدگی‌های قضایی را به محلی برای تسویه حساب‌های سیاسی تبدیل نکنند. به اعتقاد این دسته از حقوق‌دانان غیر منطقی است که گروهی از کشورها با اقدام جمعی، بتوانند، مصونیت منبعت از حقوق بین‌الملل درباره دولت ثالث را نادیده بگیرند در حالی که به تنهایی این مجوز را ندارند. این مسأله در پرتو گسترش دادگاه‌های مختلط همچون دادگاه سیرالئون و دادگاه کامبوج از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. دادگاه ویژه سیرالئون پرسش‌هایی را در رابطه با این‌که آیا این دادگاه‌ها، بین‌المللی می‌باشند یا خیر مطرح نمود. در قضیه چارلز تیلور، خود دادگاه مقرر نمود که مرجعی بین‌المللی است و از این‌رو مصونیت تیلور را نادیده گرفت (Prosecutor v. Charles Ghankay Taylor, 2004: para. 38-39; Kress, 2009: 951-952).

1. Par in parem non habet imperium

همچنین دادگاه ویژه سیرالئون (SCSL)، بر وجود استثنای حاکم بر مصونیت در برابر دادگاه‌های بین‌المللی در حقوق بین‌الملل عرفی تأکید نمود. اگرچه ضروری است که رهنمودهایی راجع به این‌که چگونه دادگاهی، بین‌المللی می‌باشد ارائه گردد، اما به نظر می‌رسد که دادگاه‌های ایجاد شده توسط شورای امنیت و هر سازمان منطقه‌ای وابسته به سازمان ملل متحد (حتی اگر مختلط باشند) و یا دادگاهی که براساس عضویت اکثریت اعضای ملل متحد با هدف نادیده گرفتن مصونیت رؤسای دولت‌ها، ایجاد گردد (همچون دیوان کیفری بین‌المللی) بین‌المللی می‌باشند (Mohanty, 2015: 12).

پیشنهاد می‌شود حال که کمیسیون حقوق بین‌الملل، در حال بررسی مصونیت مقامات عالی‌رتبه در برابر صلاحیت کیفری محاکم ملی خارجی می‌باشد، تعریفی از دادگاه‌های بین‌المللی از سوی آن نهاد ارائه گردد.

بخش دوم: بررسی چالش‌های اجرای قرار بازداشت عمرالبشیر و رژیم همکاری با دیوان

همان‌گونه که گفته شد قضیه عمرالبشیر^۱، در پی ارجاع وضعیت دارفور سودان به موجب قطعنامه ۱۵۹۳ شورای امنیت، در ICC مطرح شد و شعبه مقدماتی قرار بازداشت او را صادر کرد. نظر به این‌که سودان عضو اساسنامه رم نیست لذا این پرسش مطرح می‌شود که آثار ارجاع وضعیت سودان به ICC نسبت به این کشور و دول ثالث چیست؟

عملکرد دیوان کیفری بین‌المللی در قضیه عمرالبشیر، از جهات مختلفی حائز اهمیت است. براساس ماده ۲۷ اساسنامه رم، سمت رسمی اشخاص، در برابر دیوان، قابل استناد نمی‌باشد. اما ابهامات زیادی راجع به این مسأله وجود دارد که آیا دولت‌ها می‌توانند یک رئیس دولت در حال خدمت را بدون تخطی از مقررات حقوق بین‌الملل راجع به مصونیت رییس دولت، بازداشت کنند یا خیر. ابتدا، پس از توضیح فرایند صدور قرار بازداشت عمرالبشیر، واکنش دولت‌های میزبان البشیر و اتحادیه آفریقایی به تقاضای همکاری دیوان در اجرای قرار بازداشت را بررسی می‌کنیم و در گفتار دوم، به مطالعه تقابل مواد ۲۷ و ۹۸ اساسنامه و دلایل حقوقی موافقان و مخالفان تحویل البشیر به ICC خواهیم پرداخت.

۱. برای مطالعه بیشتر راجع به پیشینه قضیه عمرالبشیر نک: سیدقاسم زمانی، دیوان کیفری بین‌المللی و صدور قرار جلب عمرالبشیر، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۱۳۸۷، ۱۴، صص ۴۷-۱۳.

گفتار اول: صدور قرار بازداشت رییس‌جمهور سودان و واکنش دولتها و اتحادیه آفریقایی به تقاضای همکاری دیوان

در تاریخ ۳۱ مارس ۲۰۰۵، شورای امنیت سازمان ملل متحد براساس ماده ۱۳ (b) اساسنامه رم، وضعیت سودان را به‌عنوان دولت غیر عضو دیوان به دادستان دیوان، لوویس مورنو اکامپو^۱ ارجاع داد. در ۱۴ جولای ۲۰۰۸، دادستان، صدور قرار بازداشت علیه عمرالبشیر را به اتهام ارتکاب ژنوسید، جرایم علیه بشریت و جرایم جنگی علیه اعضای گروه‌های فور^۲، مازالیت^۳ و زاگاو^۴ از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸ تقاضا نمود (Prosecutor v. Al Bashir, Case No. ICC-02/05-01/0). شعبه اول مقدماتی دیوان دریافت که مدارک کافی برای اثبات مجرمیت عمرالبشیر به اتهام ارتکاب ۵ فقره جنایت علیه بشریت و دو فقره جنایت جنگی وجود دارد اما اتهام ارتکاب جنایت ژنوسید را نپذیرفت. در هر حال شعبه با صدور قرار بازداشتی در ۴ مارس ۲۰۰۹ از سودان خواست، عمرالبشیر را به دیوان تحویل دهد (Prosecutor v. Al Bashir, Case No. ICC-02/05-01/09). روز بعد، طبق ماده ۸۹ بند ۱ اساسنامه رم، دیوان از دول عضو و همه دول عضو ملل متحد که عضو دیوان نیستند تقاضا نمود، رییس‌جمهور سودان را در صورتی که در قلمرو آنها یافت شود، بازداشت نمایند و تحویل دهند (Prosecutor v. Al Bashir, Case No. ICC-02/05-01/09). با تقاضای مجدد دادستان و ارائه مدارک بیشتر، شعبه اول مقدماتی در تاریخ ۱۲ جولای ۲۰۱۰ قرار بازداشت دومی به اتهام ارتکاب سه فقره جنایت ژنوسید صادر کرد. لازم به ذکر است با تصمیم رییس ICC پرونده البشیر به شعبه دوم مقدماتی ارجاع داده شده است ([https://www.icc-](https://www.icc-cpi.int/darfur/albashir/Documents/albashirEng.pdf)

بند اول: واکنش دولتهای میزبان البشیر به قرار بازداشت

پس از صدور این قرارها، عمرالبشیر به کشورهای چاد، مالاوی، کنیا، کنگو، اوگاندا، جیبوتی، نیجریه و آفریقای جنوبی^۵ از دول عضو ICC و کشورهای کویت، اتیوپی، قطر، عربستان سعودی، ایران، مصر، موریتانی، چین، الجزایر، هند و اندونزی از دول غیر عضو دیوان سفر کرد و علی‌رغم اطلاع و

1. Luis Moreno Ocampo
2. Fur
3. Masalit
4. Zaghawa

۵. عمرالبشیر برای شرکت در نشست سران دول عضو اتحادیه آفریقایی در ۱۴ ژوئن ۲۰۱۵ به آفریقای جنوبی سفر کرد. دادگاهی در پروتوریا قرار منع خروج البشیر تا زمان صدور رای نهایی را صادر کرد اما دولت به این قرار توجهی نکرد و اجازه خروج رییس‌جمهور سودان را صادر کرد. این موضوع نهایتاً به صدور رای دیوان عالی آفریقای جنوبی منجر شد که در گفتار بعد به آن خواهیم پرداخت.

تقاضای قبلی دیوان به تعدادی از آن دولت‌ها، هیچ کدام با دیوان در بازداشت البشیر همکاری نکردند. به عنوان مثال، شعبه دوم مقدماتی دیوان کیفری بین‌المللی در ۲۴ و ۲۵ مارس ۲۰۱۴ از دولت‌های چاد (دولت عضو اساسنامه) و کویت (دولت غیرعضو) در خواست نمود، در صورت ورود عمرالبشیر به قلمرو آن‌ها وی را بازداشت و به دیوان تحویل دهند. پیشتر نیز دیوان از سه دولت چاد، مالای و نیجریه (از اعضای اساسنامه) و اریتره، عربستان سعودی و ایالات متحده (دولتهای غیر عضو) در خواست کرده بود، در صورت حضور عمرالبشیر در سرزمین آن‌ها، قرار بازداشت دیوان را اجرا نمایند، اما هیچ یک از سه دولت عضو با دیوان همکاری نکردند و در مورد چهارم نیز، البشیر از سفر به ایالات متحده برای شرکت در نشست سالیانه مجمع عمومی ملل متحد خودداری کرد.

دادستان دیوان مایوسانه و در واکنش به عدم توجه شورای امنیت به گزارشات دیوان مبنی بر عدم همکاری دولت‌ها در اجرای قرار بازداشت البشیر، در دسامبر ۲۰۱۴ تصمیم گرفت که ادامه تحقیقات در مورد قضیه دارفور را متوقف کند.

بند دوم: واکنش اتحادیه آفریقایی به قرار بازداشت البشیر

با توجه به ماهیت متزلزل صلح در سودان، قرار بازداشت البشیر با اعتراض برخی دول بزرگ از جمله چین و برخی سازمان‌ها، به ویژه اتحادیه آفریقایی مواجه گردید. نگرانی اساسی معترضان، ترس از مداخله در حاکمیت دولتی سودان و نقض مصونیت آن بر اساس ماده ۹۸ بند ۱ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری می‌باشد (Gwen P. Barnes, 2011: 1606). از آنجا که تا کنون دیوان تنها وضعیت کشورهای آفریقایی را بررسی نموده است، به زعم اتحادیه، این رسیدگی قضایی نیز، حمله‌ای از سوی غرب علیه آفریقا می‌باشد. به نظر نوعی عدم اعتماد یا سوء تفاهم به مراجع کیفری بین‌المللی غیر آفریقایی در اتحادیه آفریقایی در حال شکل‌گیری است. مواضع دولت‌های آفریقایی در ناخرسندی از اقدامات دیوان کیفری بین‌المللی به عدم همکاری ختم نمی‌شود این ناخشنودی حتی به امکان خروج دولت‌های آفریقایی در صورت تداوم مواضع دیوان یا تهدید به خروج نیز تسری پیدا کرده است (زمانی، ۱۳۹۲: ۶۰). ارجاع وضعیت ۹ قضیه آفریقایی تاکنون، در دیوان کیفری بین‌المللی موجب سوء تفاهم بین دیوان کیفری بین‌المللی و دول آفریقایی شده است (رمضانی قوام ابادی، ۱۳۹۲: ۱۱۳). همچنین، لازم به ذکر است که ۳۴ کشور آفریقایی عضو اساسنامه ICC هستند و «آفریقا» بزرگ‌ترین گروه منطقه‌ای در میان دول عضو را تشکیل می‌دهد و تاکنون همه پرونده‌های مطروحه در ICC نیز، به همین قاره مربوط می‌شود. اتحادیه آفریقایی، همه دول آفریقایی جز مراکش را در بر می‌گیرد (این کشور در سال ۱۹۸۴ سازمان سلف اتحادیه یعنی سازمان وحدت آفریقا را در اعتراض به شناسایی صحرای غربی به عنوان جنبش آزادی‌بخش

ترک کرد و دیگر به سازمان بازنگشته است). اتحادیه آفریقایی در واکنش به قرار بازداشت البشیر و قذافی رهبر پیشین لیبی، مجموعه تصمیماتی مبنی بر عدم همکاری با دیوان اتخاذ کرد از جمله، درخواست تاسیس دفتر ICC در مقرر اتحادیه رد شد (۲۵-۲۷ July 2010 Decision no. 296(XV) § 8 (Assembly/AU/Dec.)).

اتحادیه، دول عضو را بر اساس ماده ۲۷ اساسنامه اتحادیه آفریقایی، ملزم به رعایت تصمیمات سازمان دانست. اتحادیه، بارها از شورای امنیت تقاضا کرد تا رسیدگی به پرونده البشیر و همچنین رییس‌جمهور و معاون رییس‌جمهور کنیا را با استفاده از ماده ۱۶ اساسنامه، معلق کند (www.au.int/en/decisions/assembly) اما شورای امنیت هر دو تقاضا را رد نمود. در گفتار دوم مقاله، مبانی و دلایل حقوقی مخالفت اتحادیه آفریقایی و دول میزبان البشیر در عدم همکاری با دیوان در بازداشت البشیر را بررسی می‌کنیم.

گفتار دوم: تقابل مواد ۲۷ و ۹۸ اساسنامه و نقش ارجاع شورای امنیت در انکار مصونیت

رییس دولت

همان‌گونه که گفته شد یکی از اهداف اصلی تأسیس دیوان، جلوگیری از بی‌کیفرمانی بود اما نظر به اهمیت موضوع مصونیت سران دولت‌ها در نظام روابط و حقوق بین‌الملل، دو ماده از اساسنامه به مسائل مربوط به طرح مصونیت اختصاص پیدا کرد که در نگاه اول، مفاد این دو ماده متعارض جلوه می‌کند. در بند اول این گفتار، به ارتباط بین این دو ماده در مقوله مصونیت خواهیم پرداخت و رابطه بین این دو مقرر دیوان را بررسی می‌کنیم و در بند دوم، نقش ارجاع شورای امنیت در انکار مصونیت البشیر و الزامی بودن اجرای قرار بازداشت را از منظر موافقین و مخالفین بررسی خواهیم کرد.

بند اول: تقابل مواد ۲۷ و ۹۸ اساسنامه

لازم به ذکر است که تفسیر و قرائت این دو مقرر باید به گونه‌ای صورت گیرد که مفهومی هماهنگ داشته باشند و دیوان از پذیرش تفسیری که منجر به کاهش و یا افزودن مفهومی به معاهده یا بی‌استفاده نمودن بخشی از آن گردد، خودداری نماید (Akande, 2004: 338). ماده ۲۷ اساسنامه با عنوان «عدم تأثیر سمت رسمی افراد در صلاحیت دیوان»، با هدف حذف عامل مصونیت به‌عنوان یکی از موجبات منع تعقیب و محاکمه متهمان به ارتکاب جنایات بین-

المللی تصویب شد.^۱ به نظر می‌رسد که بند اول ماده ۲۷ به منظور حذف مفهوم بی‌کیفری و تأکید بر وجود مسؤولیت در صورت ارتکاب جنایات بین‌المللی موضوع صلاحیت دیوان، نگارش شده است تا مانع استناد مقامات دولتی به سمت رسمی، برای رفع مسؤولیت بین‌المللی نزد دیوان گردد و بند ۲ با این هدف تدوین شده است که مانع استناد به مصونیت‌های شکلی و محدودیت‌های زمانی برای محاکمه و تعقیب سران دولت‌ها و دیگر مقامات ذکر شده در آن ماده شود (Akande, 2004: 420). توضیح آن که در برخی نظام‌های داخلی، رییس‌جمهور و یا نمایندگان مجلس را مادامی که در حال خدمت هستند، نمی‌توان در دادگستری محاکمه کرد. اما این مانع، شکلی و تا زمان خاتمه مسؤولیت، وجود دارد و پس از عزل و یا اتمام مسؤولیت، می‌توان او را محاکمه کرد. بند ۱ ماده ۲۷ مفهوم بی‌کیفری و عدم مسؤولیت را در برابر ICC نفی می‌کند و بند ۲ وجود آن محدودیت‌های شکلی برای رییس‌جمهور و یا نمایندگان مجلس را در برابر ICC قابل استناد نمی‌داند و دیوان را مجاز می‌داند که رییس‌جمهور و یا نماینده مجلس در حال خدمت را نیز محاکمه کند حتی اگر او در نظام داخلی، تا زمان ادامه خدمت قابل تعقیب نباشد. همین مطلب در مورد دیپلمات‌ها نیز صادق است که در برابر محاکم داخلی کشور پذیرنده از مصونیت برخوردارند.

بند ۱ ماده ۹۸ در ارتباط با موضوع مصونیت است که چنین مقرر می‌دارد: «دیوان نمی‌تواند نوعی از همکاری را درخواست نماید که دولت مورد درخواست، مجبور شود بر خلاف تعهداتی عمل نماید که به موجب حقوق بین‌الملل، در مساله مصونیت دولت‌ها، یا مصونیت سیاسی شخصی یا اموال دولت ثالث به‌عهده دارد مگر این‌که قبلاً همکاری آن دولت ثالث را به منظور رفع مصونیت، جلب کرده باشد».

در بند ۱ ماده ۹۸ از «مصونیت دولت» نام برده شده است نه «مصونیت سران یا مسئولان دولت». هرچند مصونیت رییس دولت در خارج با مصونیت دولت دارای پیوندهای ریشه‌ای می‌باشد اما اکنون این دو، مفاهیمی مجزا هستند (Jennings & Watts, 1992: para 447, 1034) اما نظر به این‌که دولت یک موجودیت سازمانی می‌باشد که عملکردش از طریق اشخاص حقیقی صورت می‌گیرد و از آنجایی که دولت نمی‌تواند از نظر کیفری مورد تعقیب قرار گیرد لذا کاربرد

۱. ماده ۲۷ اساسنامه در دو بند به شرح ذیل تنظیم گردید:

الف. این اساسنامه نسبت به همه افراد بدون در نظر گرفتن سمت رسمی آنان و بدون هیچ‌گونه تبعیضی اجرا خواهد شد. به‌طور مشخص، سمت رسمی رییس دولت، یک عضو دولت یا مجلس، نماینده انتخابی یا نماینده یک دولت به هیچ‌وجه یک شخص را از مسؤولیت کیفری که به موجب این اساسنامه بر عهده دارد معاف نخواهد کرد، همچنان که وجود سمت‌های مذکور به‌تنهایی علتی برای تخفیف مجازات نخواهد بود.

ب. مصونیت‌ها یا قواعد شکلی ویژه‌ای که به موجب حقوق داخلی یا حقوق بین‌الملل در مورد مقامات رسمی اجرا می‌شوند، موجب نمی‌گردند که دیوان نتواند صلاحیتش را نسبت به آن اشخاص اعمال نماید.

عبارت «مصونیت دولت» در ماده ۹۸ و در یک سند حقوق کیفری هیچ معنایی غیر از مصونیت رییس دولت و اشخاص حقیقی نخواهد داشت. مضاف بر آن که برخورداری از مصونیت توسط مقامات دیپلماتیک رده پایین، در صوت محرومیت روسای دولتها از مصونیت، که دارای اختیارات کامل و تجسم خود دولت‌اند، موجب هرج و مرج خواهد گردید. لذا غیرقابل انکار است که ادبیات و مفهوم ماده ۹۸ اساسنامه، در بردارنده مصونیت رییس دولت نیز می‌باشد (Akande, 2016: 2).

حال این پرسش مطرح می‌شود که رابطه ماده ۲۷ و بند ۱ ماده ۹۸ اساسنامه چیست؟

در درجه اول، روشن است که دول عضو دیوان، ملزم به دستگیری و تحویل مقامات دولتی خود به دیوان هستند حتی اگر آنان بر اساس حقوق داخلی از مصونیت برخوردار باشند. اما ممکن است مقامات دولت X که متهم به ارتکاب جنایات بین‌المللی و تحت تعقیب دیوان بوده باشند، خارج از دولت متبوع خود در معرض بازداشت و تحویل دولتی خارجی قرار گیرند، در این صورت، مساله امکان اعمال بند ۱ ماده ۹۸ اساسنامه مطرح می‌شود.

با توجه به «اصل نسبی بودن معاهدات» بدیهی است که دیوان نمی‌تواند از دول غیر عضو اساسنامه تقاضای تحویل مقامات دولت‌های دیگر را بنماید. همچنین در فرضی که اتباع دول غیر عضو در سرزمین دول عضو مرتکب جنایات شوند و سپس به دولت متبوع خود بازگردند، از آنجا که دول غیر عضو اساسنامه دیوان، تعهدی مبنی بر تحویل و بازداشت اتباع یا مأمورانشان ندارند تنها راهی که دیوان با توجه به اوضاع و احوال جاری، برای دستگیری مقامات دولتی تحت تعقیب دارد، از طریق همکاری دول عضو دیوان است که شخص مظنون در قلمرو آنها حضور دارد (Akande, 2004: 421).

اگر رییس دولت X به کشور Y سفر کند که از دول عضو اساسنامه باشد می‌بایست میان دو فرض تفاوت قائل شد:

۱. اگر رییس دولت X تبعه دولت عضو اساسنامه باشد به نظر می‌رسد که دولت Y می‌تواند او را به دیوان تحویل دهد زیرا با پیوستن دولت X به اساسنامه، رضایت آن دولت به اعراض از مصونیت رییس دولت قبلا کسب شده است. بنابراین مطابق مقررات حقوق بین‌الملل عرفی تحویل رییس دولت X به معنای نادیده گرفتن مصونیت این مقام، در برابر دولت Y نیست.
۲. اگر رییس دولت X تبعه دولت عضو اساسنامه نباشد، در این صورت دولت Y حق ندارد او را به دیوان تحویل دهد مگر آنکه رضایت آن دولت به اعراض از مصونیت جلب شود.

عمرالبشیر رییس دولتی است که عضو اساسنامه دیوان نیست بنابراین به نظر می‌رسد که دیگر دول از جمله دول عضو و غیرعضو اساسنامه، حق تحویل او به دیوان را ندارند و به عبارت دیگر، مکلف هستند که مصونیت او را مطابق مقررات حقوق بین‌الملل عرفی رعایت کنند. اما وضعیت دارفور از طرف شورای امنیت به دیوان ارجاع شده است. حال این پرسش مطرح می‌گردد که آیا ارجاع وضعیت از سوی شورای امنیت در تحلیل ما تفاوتی ایجاد می‌کند یا خیر؟ پاسخ به این پرسش را در بند دوم خواهیم یافت.

بند دوم: نقش ارجاع شورای امنیت در انکار مصونیت رییس دولت

دیوان کیفری بین‌المللی، برای به انجام رساندن رسالت خود، یعنی تحقق عدالت کیفری بین‌المللی و به تبع آن حفظ صلح و امنیت بین‌المللی در جامعه جهانی، ناگزیر از ارتباط با سایر نهادهای بین‌المللی است. یکی از مهم‌ترین نهادهای بین‌المللی که دیوان با آن مرتبط است، شورای امنیت سازمان ملل متحد است که در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به نحوه ارتباط این دو نهاد پرداخته شده است (براتی، ۱۳۸۲: ۱۳۲). مطابق بند ب ماده ۱۳ اساسنامه دیوان، شورای امنیت می‌تواند وضعیتی را که به نظر می‌رسد در آن یک یا چند جرم ارتکاب یافته، به موجب فصل هفتم منشور ملل متحد به دادستان ارجاع دهد و شورای امنیت نیز به موجب قطعنامه شماره ۱۵۹۳، وضعیت دارفور سودان را به دیوان ارجاع داد. آشکار است که شورای امنیت می‌تواند پرونده مربوط به دول غیر عضو را نیز به دیوان ارجاع دهد. حال این پرسش مطرح می‌شود که تعهد دول عضو اساسنامه به رعایت مفاد بند ۱ ماده ۹۸ اساسنامه و رعایت مصونیت رییس دولت غیر عضو و نیز تعهد عرفی دول غیر عضو به رعایت مصونیت رییس دولت کشور دیگر، در فرض ارجاع پرونده از سوی شورای امنیت چیست؟

«البشیر» در تاریخ ۱۴ اکتبر ۲۰۱۱ از کشور مالاوی (از دول عضو اساسنامه دیوان) بازدید به عمل آورد اما دولت مزبور از تحویل او به دیوان خودداری کرد. شعبه اول مقدماتی دیوان در رای معروف به مالاوی با احراز قصور آن دولت در همکاری با دیوان در اجرای قرار بازداشت، مراتب را به شورای امنیت سازمان ملل متحد و مجمع عمومی دول عضو ابلاغ نمود. دیوان در این رای به صورت مطلق اعلام کرد که سران دولتها هیچ‌گونه مصونیتی در برابر دیوان بین‌المللی ندارند و مصونیت رییس دولت خارجی با ارتکاب جنایت بین‌المللی از بین می‌رود (ICC-02/05-01/09, 13 December 2011). نظر به این که مفاد این رای باعث تهی شدن بند ۱ ماده ۹۸ اساسنامه می‌گردد لذا خود دیوان در رای دیگری که سه سال بعد صادر نمود از این موضع عقب نشینی کرد و

این بار شعبه دوم مقدماتی با استدلالی دیگر به نتیجه مشابهی رسید.^۱ این بار دیوان پذیرفت که علی‌الاصول دولتها موظف به رعایت مصونیت سران دول غیر عضو به موجب بند ۱ ماده ۹۸ اساسنامه هستند مگر آنکه «قبلا همکاری آن دولت ثالث را به منظور رفع مصونیت جلب کرده باشد». به اعتقاد دیوان، شورای امنیت بر اساس فصل هفتم منشور، مصونیت رییس‌جمهور سودان را سلب کرده است و قسمت اخیر شرط مندرج در بند ۱ ماده ۹۸ اساسنامه به این ترتیب محقق شده است (ICC-02/05-01/09, 9 April 2014). دیوان در قضیه عدم همکاری آفریقای جنوبی در بازداشت البشیر نیز دوباره همین استدلال را تکرار کرد (ICC-02/05-01/09, 13 June 2015). شعبه دوم مقدماتی دیوان، توجه دولتها را به این واقعیت جلب کرد که دیوان فاقد نیروی اجرایی جهت بازداشت متهمان بوده و کارایی آن به همکاری دول عضو وابسته است. گروهی از حقوقدانان با استدلال اخیر دیوان موافقت دارند (Boschiero, 2015: 644; Akande, 2009: 334) به اعتقاد این گروه از حقوقدانان، شورای امنیت مطابق ماده ۲۴ منشور ملل متحد، مسؤولیت اولیه در مسایل مربوط به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را برعهده دارد. علاوه بر آن، ماده ۲۵ منشور مقرر می‌دارد: "اعضا ملل متحد بر پذیرش و اجرای تصمیمات شورای امنیت در چارچوب این فصل توافق دارند" (Akande, 2009: 338). شورای امنیت به منظور ملزم نمودن سودان به رعایت درخواست دیوان مبنی بر همکاری، به تعهد ناشی از ماده ۲۵ منشور ملل متحد در رعایت قطعنامه صادر شده در چارچوب فصل ۷ منشور ملل متحد استناد کرد و شعبه دوم مقدماتی دیوان نیز در رای ۹ مارس ۲۰۱۵ با احراز عدم همکاری سودان با دیوان در تحویل رییس‌جمهور آن کشور، مراتب را جهت انجام اقدامات مناسب و مقتضی به شورای امنیت اعلام کرد. دیوان عالی آفریقای جنوبی نیز با الهام از همین رویه‌ها، عدم همکاری آفریقای جنوبی با دیوان در بازداشت البشیر به هنگام سفر به آن کشور را ناقض تعهدات بین‌المللی و داخلی آن کشور تلقی کرد (<http://www.saflii.org/za/cases/ZASCA/2016/17.pdf>).

برخلاف ادعای برخی نویسندگان که معتقدند ارجاع وضعیت مربوط به دول غیر عضو اساسنامه از سوی شورای امنیت، ناقض اصل عدم ایجاد تعهدات ناشی از معاهده برای دول ثالث (pacta tertiis) است، به نظر می‌رسد اختیار شورای امنیت در «ارجاع وضعیت» به دیوان بین‌المللی

۱. در این رای، دیوان قصور یکی دیگر از دول عضو (کنگو) را در اجرای قرار بازداشت احراز کرد. البشیر در روزهای ۲۶ و ۲۷ فوریه ۲۰۱۴ از کنگو بازدید به عمل آورده بود. همچنین عمرالبشیر در می ۲۰۱۶ به کشورهای اوگاندا و جیبوتی سفر کرد اما کشورهای مذکور نیز از بازداشت او خودداری کردند لذا شعبه دوم مقدماتی دیوان نیز با احراز قصور دولتهای مذکور در همکاری با دیوان، تخطی آنها از مقررات اساسنامه را به مجمع عمومی دول عضو و شورای امنیت سازمان ملل متحد اطلاع داد (<https://www.icc-cpi.int/Pages/item.aspx?name=PR1231>).



کیفری و یا تشکیل دادگاه‌های ویژه همچون ICTY و ICTR از فصل ۷ منشور ناشی می‌گردد، لذا نظر به این‌که دول غیر عضو اساسنامه، همگی عضو سازمان ملل هستند، ارجاع وضعیت مربوط به دول غیر عضو اساسنامه ICC نه براساس این اساسنامه بلکه به موجب تعهدات ناشی از منشور انجام شده و در نتیجه، منافاتی با اصل «عدم ایجاد تعهدات برای دول ثالث» ندارد (Mohanty, 2015: 10). لذا این ادعا که به موجب آن دولت‌های غیر عضو دیوان برخلاف رضایتشان، ملزم به رعایت اساسنامه گردیده‌اند ادعایی نابجاست بدین دلیل که به واسطه ارجاع شورای امنیت، دول غیر عضو دیوان، تنها بر اساس اساسنامه رم آن هم به طور موقتی و به قدر ضرورت و نه به صورت نامحدود، ملزم به همکاری با دیوان می‌باشند و از این رو، دولت‌ها با بازداشت رؤسای دول خارجی، متعاقب درخواست همکاری از سوی دیوان بین‌المللی کیفری، مرتکب عمل متخلفانه نشده‌اند، زیرا این کشورها تحت اقتدار و به دستور شورای امنیت عمل کرده‌اند (Mohanty, 2015: 16).

سازمان عفو بین‌الملل نیز با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد، همان‌گونه که مفاد اساسنامه دادگاه‌های ICTY و ICTR که به تصویب شورای امنیت رسیده است، مصونیت رؤسای دول را نادیده گرفته و به دادگاه، اختیار محاکمه رؤسای دولتها را می‌دهد، در این مورد نیز که ICC جانشین محاکم ویژه می‌باشد، شورای امنیت هم می‌تواند مصونیت رییس دولت سودان را حذف کند (Amnesty International, 2010: 41). در واقع از آنجایی که شورای امنیت از قدرت و اختیار وسیعی مبنی بر ایجاد دادگاه‌های بین‌المللی کیفری، بر اساس ماده ۴۱ منشور ملل متحد برخوردار است (همانطور که ICTY در قضیه تادیچ، به آن اشاره کرده است) (Prosecutor v. Dusko Tadić, Decision on the Defence Motion on Jurisdiction, ICTY-IT-94-1, غیر معقول به نظر می‌رسد که از قدرت محدودتری مبنی بر نادیده گرفتن مصونیت عرفی رییس دولت برخوردار نباشد. در چارچوب این رهیافت، بند ۱ ماده ۹۸ اساسنامه به این معنا خواهد بود که سران دول غیر عضو از مصونیت در برابر دول عضو اساسنامه برخوردار هستند مگر این‌که شورای امنیت با ارجاع وضعیت، مصونیت آن مقام را نادیده گیرد.

در این ارتباط، نظر مخالف وجود دارد. مخالفان معتقدند حتی با وجود اعتبار ارجاع وضعیت از سوی شورای امنیت، مقررات اساسنامه رم به طور کامل بر دول غیر عضو دیوان قابلیت اعمال ندارد، زیرا این دولتها، برخلاف رضایتشان برای همکاری با دیوان انتخاب شده و همسطح یک دول عضو دیوان قرار گرفته‌اند. بر همین اساس اساسنامه رم، تا آنجا قابلیت اعمال دارد که مقررات آن برخلاف حقوق بین‌الملل عرفی نباشد (Kiyani, 2013: 482). آن‌ها با اشاره به رأی قرار بازداشت اظهار داشتند که توسعه صلاحیت، به هیچ‌وجه بر مصونیت‌های منبعت از حقوق بین‌الملل خدشه‌ای وارد نمی‌کند. بنابراین شورای امنیت با ارجاع یک وضعیت به دیوان، در واقع، صرفاً امکان اعمال

صلاحیت دیوان جهت تعقیب و محاکمه جنایتکاران بین‌المللی در آن وضعیت را فراهم می‌کند اما این اعمال صلاحیت، کماکان در چارچوب رعایت مصونیت‌های مقرر در نظام حقوق بین‌الملل صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر، شورای امنیت، تنها می‌تواند یک وضعیت کلی را به دیوان ارجاع دهد و تعیین پرونده‌ها و اشخاص تحت تعقیب با دیوان است. بنابراین ارجاع وضعیت دارفور از سوی شورای امنیت به ICC صلاحیت رسیدگی به جنایات ارتكابی از سوی اتباع دول غیر عضو و در سرزمین دولتی غیر عضو را فراهم می‌کند اما دیوان در تعیین افراد و اشخاصی که می‌بایست تحت تعقیب قرار گیرند می‌بایست محدودیت‌های مربوط به رعایت مصونیت سران دول غیرعضو را رعایت کند (Kress and Prost, 2008: 1613). البته در مقابل استدلال شده است نظر به این که هدف از ارجاع، تعقیب و محاکمه است بنابراین باید بر اساس اساسنامه رم به‌عنوان یک کل و نه احیاناً بر مبنای استناد گزینشی به برخی از مفاد اساسنامه، صورت پذیرد (Mohanty, 2015: 9).

لازم به ذکر است که اتحادیه آفریقایی و دول عضو این اتحادیه در پاسخ به تقاضای همکاری دیوان، از تصمیمات اتحادیه تبعیت و از همین رهیافت اخیر پیروی کردند.

اتحادیه آفریقایی در ژانویه سال ۲۰۱۲ با صدور قطعنامه‌ای، تفسیر خود از بند ۱ ماده ۹۸ اساسنامه را چنین بیان کرد: «اتحادیه بند ۱ ماده ۹۸ را که در اساسنامه رم گنجانده شده است را چنین تفسیر می‌کند که اساسنامه به‌دنبال حذف مصونیت مقامات دول غیر عضو اساسنامه که حقوق بین‌الملل به آن‌ها اعطاء کرده نبوده است و شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز با ارجاع وضعیت دارفور به ICC بر آن نبوده است که مقررات اساسنامه از جمله ماده ۹۸ اعمال نگردد» (January 2012 Decision no. Assembly/AU/Dec. 397(XVIII) § 2 ۳۰-۲۹).

اتحادیه آفریقایی در قطعنامه ۱۲ اکتبر ۲۰۱۳ نیز مجدداً تاکید کرد که رییس دولت در حال خدمت، دارای مصونیت از صلاحیت کیفری است و لذا صلاحیت دیوان را نپذیرفته و از شورای امنیت بارها تقاضای تعویق قرار بازداشت صادره علیه عمرالبشیر را بموجب ماده ۱۶ بند ۲ نمود. اتحادیه، مجدداً پس از بی‌توجهی شورای امنیت به درخواست تعویق، از دول عضو دیوان می‌خواهد که بر اساس ماده ۹۸ اساسنامه رم جهت بازداشت و تحویل رییس‌جمهور سودان با دیوان، همکاری نمایند (October 2013, Ext/Assembly/AU/Dec.1, § 10(i ۱۲)).

اتحادیه آفریقایی در سال ۲۰۱۵ با تصویب پروتکل «مالابو» یک شعبه حقوق بین‌الملل کیفری را ذیل دیوان آفریقایی دادگستری و حقوق بشر تاسیس نمود. هدف از ایجاد این شعبه آن بود که اختلافات مربوط به تفسیر بند ۱ ماده ۹۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری را در سطح قاره آفریقا حل و فصل نماید و ماده ۴۶ الحاقی را به شرح ذیل در پروتکل گنجانده:



« هیچ گونه اتهامی در این دادگاه علیه سران فعلی دولت یا حکومت و یا هر شخص دیگری که در همان جایگاه و سمت قرار دارد و یا دیگر مقامات عالی رتبه در طول دوران خدمتشان طرح نخواهد شد و یا ادامه نخواهد یافت ». (Malabo Protocle, article 46A)

تأکید دولت‌های آفریقای جنوبی بر اجرای تصمیمات اتحادیه آفریقایی و عدم پذیرش تصمیمات ICC در این ارتباط تا بدانجا رسیده است که در پاییز سال ۲۰۱۶ سه کشور آفریقای جنوبی، برون‌دی و گامبیا قصد خود دال بر خروج از ICC را اعلام کردند. حتی دولت آفریقای جنوبی در ۱۹ اکتبر ۲۰۱۶ اعلامیه خروج از دیوان را هم ابلاغ کرد البته دیوان عالی آن کشور، تصمیم هیأت وزیران به خروج از اساسنامه دیوان بدون جلب موافقت قبلی پارلمان آن کشور را غیر قانونی اعلام کرد (<http://www.saflii.org/za/cases/ZAGPPHC/2017/53.pdf>).

نتیجه‌گیری

صدور قرار بازداشت علیه رئیس‌جمهور سودان توسط ICC مباحث مهمی را در باب تعامل و ارتباط قاعده قراردادی «عدم مصونیت سران دولت‌ها نزد محاکم کیفری بین‌المللی» و قاعده عرفی «رعایت مصونیت سران دولت‌ها در برابر دول خارجی» مطرح کرد. نظر به این که ICC در اجرای تصمیمات و احکام خود به همکاری و تعامل دولت‌ها نیازمند است، عدم اجرای قرار بازداشت عمرالبشیر توسط دولت‌هایی که او به آنجا سفر کرده بود (اعم از دول عضو و غیرعضو) مباحثی را در خصوص مشروعیت تقاضای ICC از تمامی دولت‌ها جهت اجرای این قرار مطرح کرد.

دیوان بین‌المللی کیفری و گروهی از حقوق‌دانان بر این اعتقادند که با ارجاع وضعیت دارفور از سوی شورای امنیت، مصونیت عمرالبشیر به‌عنوان رئیس‌جمهور سودان سلب شده است و دولت‌ها در اجرای قرار بازداشت، نه از سوی خود بلکه به نمایندگی از ICC و شورای امنیت می‌بایست عمل کنند. معتقدان به این رهیافت استدلال می‌کنند که دول عضو و غیرعضو اساسنامه به موجب مقررات منشور ملل متحد متعهد به رعایت و اجرای تصمیمات شورا هستند و در این ارتباط به ماده ۱۰۳ منشور ملل متحد (اولویت اجرای تعهدات ناشی از منشور) استناد می‌کنند.

از سوی دیگر، دولت‌هایی که قرار بازداشت دیوان را به هنگام سفر عمرالبشیر به کشورشان اجرا نکردند، به همراه اتحادیه آفریقایی و گروهی از حقوق‌دانان معتقد هستند که دولت‌ها (اعم از عضو و غیرعضو دیوان) موظف به رعایت مصونیت عمرالبشیر به‌عنوان رئیس دولت خارجی هستند. به اعتقاد این گروه از دولت‌ها، ضرورت رعایت قواعد عرفی مصونیت از جمله در بند ۱ ماده ۹۸ اساسنامه نیز درج شده است. نویسندگان این مقاله با رای و نظر اخیر هم‌داستانند.

چالش حقوقی ایجاد شده در این ارتباط تا بدانجا بالا گرفته است که چند دولت آفریقایی خواهان خروج از ICC شده‌اند. به نظر می‌رسد که ابتکار کشورهای آفریقایی در طرح سوال مشورتی از دیوان بین‌المللی دادگستری (ICC) از رهگذر مجمع عمومی و پاسخ دیوان، می‌تواند به ابهامات و تعارضات مربوط به این چالش حقوقی پایان دهد.

منابع

- براتی، شهرام (۱۳۸۲)، «صلاحیت شورای امنیت در ارتباط با دیوان کیفری بین‌المللی»، **مجله پژوهش حقوق عمومی**، شماره ۹، ص ۱۶۰-۱۲۹.
- بهمن تاجانی، شهرام، میرفلاح نصیری، سیده ندا (۱۳۹۴)، «مبانی و آثار تغییر رویکرد دیوان بین‌المللی دادگستری در الغای مصونیت کیفری سران دولتها در قضیه حسین هابره (رییس‌جمهور سابق چاد)»، **پژوهشنامه حقوق کیفری**، سال ششم، شماره اول، ص ۴۶-۳۷.
- پایرز، مایکل (۱۳۷۹)، دعوی پینوشه معجونی از حقوق و سیاست، مترجم محمدجواد میرفخرایی، **مجله حقوقی**، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۲۵، صص ۱۲۸-۸۵.
- جوانمرد، بهزاد (۱۳۹۰)، «دیوان کیفری بین‌المللی پایان یلدای مصونیت بی کیفری مانی»، **مجله کانون وکلای دادگستری مرک**، شماره ۵۴، ص ۲۴-۱.
- رمضانی قوام‌آبادی، محمد حسین (۱۳۹۲)، «تأسیس شعب فوق‌العاده سنگال برای محاکمه حسین هابره: یک گام به جلو در راستای مبارزه با جنایات بین‌المللی»، **پژوهشنامه حقوق کیفری**، سال چهارم، شماره دوم، ص ۱۱۷-۸۹.
- زمانی، سید قاسم (۱۳۸۷)، «دیوان کیفری بین‌المللی و دولت‌های غیرعضو: قرار جلب عمرالبشیر»، **موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهردانش**، شماره ۱۳، ص ۴۷-۱۳.
- زمانی، سید قاسم (۱۳۹۲)، «تهدید به عدم همکاری با دیوان کیفری بین‌المللی و آینده مبهم عدالت کیفری در قاره آسیا»، **پژوهشهای حقوق جزا و جرم‌شناسی**، شماره ۲، ص ۶۸-۴۳.
- سبحانی، مهین (۱۳۸۹)، «تأملی بر مصونیت کیفری مقامهای عالی رتبه دولتی در جرایم بین‌المللی»، **پژوهشنامه حقوقی**، سال اول، شماره دوم، ص ۵۵-۳۱.
- صوراسرافیل، محمود (۱۳۷۹)، «التباس معنای مزایا و مصونیت‌ها در حقوق بین‌الملل، تأملی بر تعاریف و مفاهیم»، **مجله حقوقی**، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۲۵، ص ۲۷۴-۲۵۵.

- عزیزی، ستار (۱۳۹۳)، «مصونیت مأموران دولتی از صلاحیت کیفری خارجی: آثار و معیارهای تعیین مصونیت شخصی و رسمی»، *مجموعه مقالات همایش مصونیت در حقوق بین الملل*، تهران: انتشارات گنج دانش، ص ۲۵۰-۲۳۱.
- موسسه حقوق بین الملل (۱۳۸۳)، «مصونیت قضایی و اجرایی رییس دولت و حکومت در حقوق بین الملل»، *مجله حقوقی*، دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۳۰، ص ۴۰۴-۳۹۵.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۳)، «مسئولیت کیفری بین المللی»، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۱۵، ص ۲۰۰-۱۶۹.
- AkandeDapo& Shah Sangeeta (2011), Immunities of State Officials, International Crimes and Foreign Domestic Courts, *European Journal of International Law*, Vol. 21, No. 4, 815-852.
- Akande, Dapo (2004), International Law Immunities and the International Criminal Court, *The American Journal of International Law*, Vol. 98, No. 3, 407-433.
- Akande, Dapo (2009), The Legal Nature of Security Council Referrals to the ICC and its Impact on Al Bashir's Immunities, *Journal of International Criminal Justice* Vol. 7, Iss. 2, 333-352.
- Amnesty International (2010), Bringing Power To Justice Absence of Immunity For Heads of State Before The International Criminal Court, (2010) IOR 53/017/2010, 1-59.
- Akande, Dapo (2016), The Bashir Case: Has the South African Supreme Court Abolished Immunity for all Heads of States?, *EJIL Talk, Blog of European Journal of International Law*, 1-7.
- Case Concerning the Arrest Warrant of 11 April 2000 (Democratic Republic of the Congo v. Belgium), *I. C. J Reports*, 2002.
- Cassese Antonio (2002), When May Senior State officials be Tried for International Crimes? Some Comments on the Congo v. Belgium Case, *European Journal of International Law*, Vol. 13, No. 4, 853-857.
- Decision pursuant to article 87 (7) of the Rome Statute on the failure of the Republic of Malawi/Chad to comply with the cooperation requests issued by the Court with respect to the arrest and surrender of Omar Hassan Ahmad Al Bashir, Pre-Trial Chamber-I, ICC-02/05-01/09, 13 December 2011.
- Decision Pursuant to Article 87 (7) of the Rome Statute on the Failure by the Republic of Malawi to Comply with the Cooperation Requests Issued by the Court with Respect to the Arrest and Surrender of Omar Hassan Ahmad Al Bashir, ICC-02/05-01/09-139 (Pre-Trial Chamber I), 12 December 2011.
- Iverson, Jens (2012), The Continuing Functions of Article 98 of the Rome Statute, *Goettingen Journal of International Law*, Vol. 4, No. 1, 131-151.



- Jennings, Robert and Watts, Arthur (edited by) (1992), Oppenheim's International Law, Oxford Public International Law, 9th edition, Vol.1.
- Kennedy Nkusi Fred (2013), Immunity of State Officials before the International Criminal Court: the Indictment of President al- Bashir, Arizona Journal of International and Comparative Law, Vol. 1, No. 1
- Kiyani G. Assad, Al-Bashir & the ICC: The Problem of Head of State Immunity (2013), Chinese Journal of International Law, Oxford University Press, Vol. 12, No. 3, 467-508.
- Kress Clause & Prost Kimberly (2008), Article 93, in Triffterer O, (2nded), Commentary on the Rome Statute of the International Criminal Court, OttoTriffterer, Hart Publishing.
- Kress, Claus (2009), Taylor (Immunity case), in Antonio Cassese (edited by)(2009), The Oxford Companion to International Criminal Justice, Oxford University Press.
- Mohanty Rahul (2015), Head of State Immunity in the International Courts in Prosecution for international Crimes: Immunity or Impunity, Journal of International Law, Vol.3, No.4
- Paola, Gaeta (2009), Does President Al Bashir Enjoy Immunity from Arrest?, Journal of International Criminal Justice, Vol. 7, Iss. 2.
- Prosecutor v. Charles Ghankay Taylor, Case No. SCSL-2003-01-I, Decision on Immunity from Jurisdiction of 31 May 2004.
- Prosecutor v. DuskoTadic', Decision on the Defence Motion for Interlocutory Appeal on Jurisdiction, IT-94-1-AR 72, 2nd October 1995.
- Legal.Un.Org/docs/ Report of ILC, 2014, A/69/10, 229-237.
- Sarah, Williams and Lena, Sherif (2009), The Arrest Warrant for President al-Bashir: Immunities of Incumbent Heads of State and the International Criminal Law, Journal of Conflict and Security Law, Oxford University Press, Vol. 14, No 1
- The Prosecutor v. Slobodan Milosevic, Milan Milutinovic, Nikola Sainovic, DragoljubOjdanic, VljakoStojiljkovic (Case No. IT-99-37) Indictment of 22 May 1999.
- Triffterer Otto and Ambos Kai (Edited by) (2008), Commentary on the Rome Statute of the International Criminal Court: Observers' Notes Article By Article, Baden Baden: NomosVerlagsgesellschaft.
- United States Diplomatic and Consular Staff in Tehran (United States of America v. Iran), I. C. J Reports 1980.
- Vow to Pursue Sudan over 'Crimes,' (27 September 2008), BBC, available at: news.bbc.co.uk/2/hi/africa/7639046.stm, retrieved: 30/5/2017.
- Wickremasinghe M. Evans (edited by) (2010), Immunities Enjoyed by Officials of States and International Organizations, in M.Evans (ed), International Law (3rdedn).